

پرورش قدرت تفکر و واکاوی ذهنی

* کتایون رجبی‌راد و سعیده مقدسی

*** معلمی داشتم که ریاضی را با زندگی در هم می‌آمیخت و آن را شیرین و خوشایند در مذاقم می‌نشاند. او تمام نشانه‌های ریاضی را نخست خودش در زندگی پیدا می‌کرد و سپس طعم تفکر دربارهٔ آن‌ها و یافتنشان را در مذاق من زنده می‌کرد. او وجودش سرشار از یادگرفتن بود و به همین خاطر می‌توانست به خوبی از یاددادن سرشار شود**

به گمانم برایتان جالب خواهد بود اگر بدانید معلم ریاضی دبستان با من چه کار کرد؟!

در روزهایی که به ندرت دانش‌آموزی را پیدا می‌کردید که از ریاضی خوشش بیاید، این معلم با من کاری کرد تا تمام صحنه‌هایی را که می‌بینم نخست از فیلتر اشکال هندسی بگذرانم.

شاید شما سالاد هندسی نخورده باشید، اما من خورده‌ام! شاید میوه یا اشکال هندسی پوست نکنده باشید، اما من این کار را کرده‌ام! و شاید شما از آن دسته از معلمانید که همیشه از دانش‌آموزان خود می‌خواهید تکالیفشان را پشت سرهم و مرتب و داخل یک دفترچهٔ سفید خط‌دار بنویسند!

من هیچ‌کدام از این شایدهای شما را با قطعیت نمی‌شناسم، من بیش از آنچه بدانم قالب‌بندی چیست، قالب‌سازی را یاد گرفته‌ام و این را مدیون معلمانی خلاق هستم که فکر کردن منظم، منطقی و مستدل را در من پروراندند؛ چشمه‌ای در وجودم پدیدار کردند که اگر دقت‌نظر، هوشمندی و خلاقیت آن‌ها نبود، شاید امروز به این شیوه فکر نمی‌کردم و به این شیوه دیگران را به فکر کردن وانمی‌داشتم.

معلمی داشتم که ریاضی را با زندگی در هم می‌آمیخت و آن را شیرین و خوشایند در مذاقم می‌نشاند. او تمام نشانه‌های ریاضی را نخست خودش در زندگی پیدا می‌کرد و سپس طعم تفکر دربارهٔ آن‌ها و یافتنشان را در مذاق من زنده می‌کرد. او وجودش سرشار از یادگرفتن بود و به همین خاطر می‌توانست به خوبی از یاددادن سرشار شود.

همیشه وقتی مثال می‌زد، از خودم می‌پرسیدم که او این همه مثال جدید و بکر را از کجا می‌آورد؟ اما کمی که صبر می‌کردم، متوجه می‌شدم چقدر آزاد فکر کردن به او کمک کرده است تامثال‌های لازم را از نیازهای ما فراهم کند. حالا که خودم معلم شده‌ام، از این مدل فکر کردن بهره‌ها برده‌ام.

رها بودن ذهن و اندیشه، با شیوهٔ یافتن نشانه‌ها، مرا به تفکر بیشتر دربارهٔ اقسام فکر کردن کشاند. وقتی این عادت کرده باشد در هر موقعیتی به زبان آن موقعیت پی ببرد، در شرایط گوناگون دریافت‌های متفاوتی نیز خواهد داشت.

مثلاً وقتی دانش‌آموزی تازه مفهوم محیط دایره را یاد گرفته است و ذهن او چنین تربیت شده است که نشانه‌های هر موقعیتی را با مفهوم کارکردی آن موقعیت ارتباط دهد، وقتی با سرویس مدرسه به منزل می‌رود خیلی راحت دایره‌هایی را که اطراف خود می‌بیند، انتخاب و شروع به فکر کردن دربارهٔ محیط آن‌ها می‌کند.

به راستی چنین دانش‌آموزی زودتر نخواهد فهمید که چرا ماشین‌هایی که چرخ‌های بزرگ‌تری دارند، میزان جابه‌جایی‌شان بیشتر است؟

اما بیش از همه، نشانه‌ها هستند که تابلوی راه فکر کردنم شدند؛ نشانه‌هایی چون اشکال هندسی، معلم ریاضی من وقتی می‌خواست بگوید دایره چیست، چه شکلی است،چگونه درست می‌شود، چه ویژگی‌هایی دارد و محیط آن چگونه به دست می‌آید، هرگز مرا در حبس فرمول نگذاشت. او کاری کرد که من محیط دایره را خودم آفریدم.

شاید برایتان جالب باشد بدانید که تمام ابزارهای این کار را از وسایل سادهٔ دور و برمان انتخاب می‌کرد. اولین بار از ما پرسید: «بچه‌ها! چه کسی می‌تواند کلمهٔ هم خانواده‌ای برای دایره بگوید؟» بعد از کمی بالا و پایین کردن کلمات گوناگون همهٔ بچه‌ها با کلمه «دور۱» موافق بودند. و بعد از ما خواست هرچه راجع به این کلمه می‌دانیم بنویسیم یا بکشیم. عبارات یا شکل‌های متنوع و زیادی روی صفحهٔ دفتر بچه‌ها نقش می‌بست که احساس کردم کار او را برای جلسات بعد راحت‌تر کرده است.

مثلا یکی از بچه‌ها با ماژیک از یک نقطه شروع کرده بود و همین‌طور در یک حالت منحنی با خط ممتد دور زده بود تا در نهایت به شکل یک حلزون رسیده بود. یا مثلاً یکی دیگر از بچه‌ها چند تا حیوان را کشیده و دور تا دور آن‌ها را نرده کشیده بود. یکی از بچه‌ها که مادرش خیاط بود یاد دور کمر افتاده بود و یک نفر را کشیده بود که متری دور کمرش اندازهٔ کمرش را نشان می‌دهد.

معلم ریاضی داشت آنچه را در ذهن ۳۰ دانش‌آموزش می‌گذشت به اشتراک می‌گذاشت. از تلاقی اتفاقات ذهنی بچه‌ها در ذهن من هزاران راه دیگر باز می‌شد. مثلاً وقتی مدل خطی یا دو بُعدی درست کردن حلزون را دیدم. خیلی راحت با پوست کندن یک سیب آن را در حجمی سه بُعدی پیاده کردم.

این معلم توانسته بود مرا از بُعد دوم به بُعد سوم راهنمایی کند؛ بی‌آنکه خودش راهی جلوی پایم گذاشته باشد.

به گمانم از نظر او تفکر در ما وجود داشت و او فقط شیوهٔ خروجش را نشانمان می‌داد. وقتی با تصویر دوستانم آشنا می‌شدم، من هم حرف‌های جدیدتری برای گفتن داشتم. مثلا وقتی با اصطلاح دور کمر دوستم آشنا شدم، یاد دور تنهٔ درخت افتادم و ناخودآگاه در ذهنم وارد جنگلی شدم که برخی از درختانش را بریده بودند و من قطاع آن‌ها را می‌دیدم که پر بودند از دایره‌های هم مرکز که از دور دایره تا داخل دایره کوچک و کوچک‌تر می‌شدند.

معلم همیشه در کلاس بود تا با سؤالاتی نظیر این سؤال من، به گونه‌ای برخورد کند که خودم جوابم را پیدا کنم. از خانم معلم پرسیدم: «کوچک و بزرگ بودن دایره‌ها را می‌شود اندازه گرفت؟»

و او پاسخم را این‌گونه داد که: «چه چیزی از دایره را می‌خواهی اندازه‌بگیری؟»

گفتم« (نمی‌دانم،کوچکی و بزرگی‌اش را دیگر!)

«منظورت از کوچکی این است که رنگ کمتری برای رنگ کردنش مصرف کنی؟ یا این که باید وقت بیشتری بگذاری تا بتوانی خط دور تا دورش را پررنگ کنی؟»

اولش واقعاً نمی‌دانستم چه جوابی بدهم؟ کمی فکر کردم و با خودم سنجیدم از کجا چنین سؤالی در ذهن من به وجود آمد! بله، دور کمر بود که مرا به دور درخت رساند و بعد درخت بلند در ذهنم پایین افتاد و قطاع آن را دیدم. وقتی معلم این سؤال را از من پرسید، مرا به مروری بر روند تفکرم واداشت.

وقتی یک‌بار با کمک سؤال معلم این کار را انجام دادم، دفعات بعدی خیلی راحت توانستم برای پوست کندن دورانی و فنری سیب هم با کمک فن مرور بر تفکر خودم، دلیلی را پیدا کنم و شاید به نخستین دلیلی که برای آن مدل پوست کندن سیب رسیدم، تشریک ایده‌های دانش‌آموزان بود و روشی که دوستم برای مفهوم دور زدن و خطوط دوار به شکل حلزون تولید کرده بود. شاید اگر عمیق‌تر فکر کردن را یاد می‌گرفتم دلایل متقدم‌تری را می‌یافتم.

حسن این مدل سؤال کردن معلم ریاضی این بود که ریاضی دیگر به کلاس ریاضی تعلق نداشت.

ریاضی در ذهن من غرفه‌ای دائمی گرفته بود که می‌شد از دریچهٔ آن دنیا را به گونه‌ای دیگر بررسی کرد. من حتی نمی‌دانستم وقتی به معلم گفتم که منظورم از کوچکی و بزرگی دایره‌ها وقت بیشتری است که برای رنگ کردن دور دایره‌ها می‌گذارم، پاسخم درست است یا نه! اما حالا که خودم معلم شده‌ام، خوب می‌فهمم حتی اگر جواب دیگر یعنی رنگ کردن دایره‌ها را هم ملاک کوچکی و بزرگی دایره‌ها می‌دانستم، باز هم دست خانم معلم بسته نبود و به راحتی می‌توانست با درست فرض کردن پاسخ من، یعنی با کلاس ریاضی می‌خواست. در این کلاس یاد گرفته بودم کلنگی بردارم و مدام «ذهن‌کاوی» کنم. کافی بود در ذهنم نخست مشکلی مطرح شود تا «مشکل کاوی» کنم. یا وقتی ایده‌ای شکل می‌گرفت، «ایده‌کاوی» می‌کردم تا شاید به بهترین شکل آن ایده دست یابم، یا آنکه وقتی به دنبال پر کردن یک خلأ فکری بودم، مدام «امکان‌کاوی» می‌کردم و تمام راه‌های ممکن را در نظر می‌گرفتم تا ببینم می‌توان به خلق یک مفهوم و لزوماً بهترین مفهوم رسید یا نه!

شاید گمان کنید این اتفاق میمون و مبارک فقط در ذهن من می‌افتاد، اما دوست دارم فعالیتی را که معلم سر کلاس انجام داد برایتان شرح دهم تا شما هم مانند من تصدیق کنید که مگر می‌شد همهٔ دانش‌آموزان درگیر چنین فعالیتی شوند و نتوانند به توانمندی‌هایی نظیر آن‌ها که در بالا گفتیم برسند.

خوب یادم هست بعد از این که دو یا سه جلسه‌ای دربارهٔ مفهوم دایره، شکل دایره، خواص آن و چرخ عمل می‌کرد، دایره را روی یک خط صاف بچرخانیم تا جایی که نقطهٔ روی لبهٔ دایره دوباره با صفحهٔ کاغذ مماس شود، یعنی دایره یک دور کامل بزند. محل نقطهٔ انتهایی را دوباره روی کاغذ علامت زدیم.

اینجا معلم دوباره یک سؤال هدایتگر برای تکمیل روند فکر کردن پرسید: «نقطهٔ ابتدا تا انتها یک خط است. اندازهٔ این خط با چه چیزی برابر است؟»

بی‌استثنا همه بچه‌ها با هم گفتیم: «همان دور دایره است». اینجا بود که معلم گفت: «بچه‌ها به دور دایره می‌گویند محیط دایره».

از آنجا که بعضی دایره‌ها بزرگ‌تر و بعضی کوچک‌تر بودند، اندازهٔ محیط‌ها نیز فرق می‌کرد. هرکسی با خط‌کش اندازهٔ محیط دایره‌اش را ثبت کرده بود. معلم با بحث هدایتگر خود، ما را متوجه این قضیه کرده بود که به نسبت بزرگ‌تر شدن قطر است که محیط بزرگ‌تر می‌شود.

بنابراین، از بچه‌ها راه حل خواست که آیا کسی می‌تواند رابطه‌ای بین قطرها و محیط به دست آمده پیدا کند یا نه!

ما همگی به جنب‌وجوش افتادیم و شروع کردیم به فکر کردن. دو مقدار در دست داشتیم: یکی اندازهٔ خطی که در دفتر کشیده بودیم و با محیط دایره معادل بود و دیگری مقدار قطر دایره. به این فکر افتادیم که آن محیط را بر قطر تقسیم کنیم.

نتایج جالبی به دست آمد. تقریباً تمام بچه‌ها عددی نزدیک به ۳/۱۴، یعنی عدد پی را درآورده بودند. قرار شد با این عدد ثابت و عنوان‌های ثابتی چون قطر و محیط یک رابطه کشف کنیم. این رابطه شد فرمول محیط دایره که خودمان کشفش کرده بودیم.

محیط دایره = قطر × عدد۳/۱۴

نمی‌دانید چقدر شیرین بود که خودمان کشف کردیم محیط دایره از چه راهی به دست می‌آید. بعدها زمانی که معلم می‌خواست محیط دایره را برایمان مرور کند،از مصداق‌های جدیدتری حرف می‌زد، ما را به چالش می‌کشید و از نو ذهنمان را درگیر مفهوم محیط دایره می‌ساخت.

خوب یادم هست که از ما پرسید: «بچه‌ها چرا هرچه ماشین تندتر برود، عقربهٔ کیلومتر شمار بیشتر می‌چرخد؟»

همان‌طور که تصمیم گرفتیم انتهای این مقاله را با یک سؤال به پایان ببریم، انتهای کلاس شما هم می‌تواند با یک سؤال به پایان برسد؛ سؤالی که روال فکر کردن شخص را به افول کشاند و وی را همواره در مسیر تفکر پویا قرار دهد.

منبع: رشد آموزشی - تکنولوژی

*** کافی بود در ذهنم نخست مشکلی مطرح شود تا «مشکل کاوی» کنم. یا وقتی ایده‌ای شکل می‌گرفت، «ایده‌کاوی» می‌کردم تا شاید به بهترین شکل آن ایده دست یابم، یا آنکه وقتی به دنبال پر کردن یک خلأ فکری بودم، مدام «امکان‌کاوی» می‌کردم و تمام راه‌های ممکن را در نظر می‌گرفتم تا ببینم می‌توان به خلق یک مفهوم و لزوماً بهترین مفهوم رسید یا نه!**

ملاک مساحت دایره، مقایسهٔ مرا جلو ببرد. این سؤال هدایتگر معلم، اساس به چالش کشیدن مرا فراهم می‌ساخت.

این معلم به خوبی می‌دانست اگر جز این دو سؤال دربارهٔ دایره بپرسد، ذهن من و کلاس به بیراهه خواهد رفت. او می‌دانست قرار است دایره در فکر من چه اتفاقاتی را پدید آورد؛ اتفاقاتی که در ریاضی گذاشته بودند. اما پیش از هر مفهومی لازم می‌دانست مفهوم دایره، محیط و مساحت را از خود دانش‌آموزان کشف کند.

شیوهٔ رفتاری به کار رفته در این کلاس ریاضی، مرا مدام به سیر فکر کردن به مسائل گوناگون می‌کشاند. اینکه از کجا به کجا می‌رسم، از چه مفهومی به چه مفهومی می‌شود رسید یا رسیده بودم، زمینه‌سازی خوبی مانند نیز تصورات بچه‌ها دربارهٔ کلمهٔ دور زدن حرف زده بودیم، خانم معلم گفت: «بچه‌ها چه کسی بازی دوست دارد؟»

واقعاً شما کسی را می‌شناسید که بازی را دوست نداشته باشد؟ معلم بچه‌ها را اول به فعالیت کلاس گره می‌زد و بعد از آن‌ها می‌خواست برای این ارتباط کاری انجام دهند.

او از ما خواست هر کدام‌مان روی یک تکه مقوا در هر اندازه‌ای که دلمان می‌خواهد، یک دایره بِبُریم. بعد در مرکز آن یک خودکار فرو کنیم. قرار شد روی یک نقطه از لبه‌های دایره را علامت بزنیم.

طبق توضیح معلم قرار شد در دفتر ریاضی روی یک خط نقطهٔ شروعی را معلوم کنیم و نقطه‌ای را که روی لبهٔ دایره علامت زده‌ایم، روی آن نقطهٔ شروع بگذاریم. سپس با مدادی که مانند محور یک

مدرسه و میراث فرهنگی ما

*محمد نجفی

به رمه‌ای که در مقابل شما می‌چرد بنگرید که چه شادمانانه این سوی و آن سوی می‌روند و می‌چرند. گویی هیچ مشکلی در جهان نیست که به خود مشغولشان دارد و بیازاردشان. این چنین است که آدمی می‌خواهد به نوبه از این گوسپندان چرایی این حال خوبشان را بپرسد تا شاید بتواند خود نیز درسی بگیرد و حال خوبی داشته باشد. می‌پرسد و گوسپند به نوبه خود می‌خواهد پاسخ دهد که من همواره پیش‌تر از آن که چیزی را بگویم آن چیز را فراموش می‌کنم. گوسپند اما آن‌چه را که می‌خواسته بگوید، پیش از آن‌که بگوید فراموش می‌کند و در نتیجه چیزی نمی‌گوید. این است که پرسنده پاسخی نمی‌گیرد و تنها با حیرتی مضاعف باز صحنه پیش روی خود را می‌نگرد.

آن‌چه در بالا آمد، نقل به مضمون بخشی از کتاب «سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی» (نوشته فردریش ویلهلم نیچه با ترجمه عباس کاشف و ابوتراب سهراب؛ نشر فرزان روز) است. نیچه اما در کتاب دیگر خود «اینک آن انسان؛ آدمی چگونه همان می‌شود که هست» (ترجمه بهروز صفدری؛ نشر بازتاب‌نگار) پرسش‌هایی چون «چرا این‌چنین فرزانه‌ام»، «چرا این‌چنین زیرکم»، «چرا کتاب‌های چنین خوبی می‌نویسم» و در نهایت «چرا من یک سرنوشتم» را طرح می‌کند.

احتمالا یکی از مهم‌ترین پاسخ‌های این فیلسوف نابه‌هنگام به چنین پرسش‌های آمیخته به شیفتگی حاد به خویشتنش در این کتاب دوم، پاسخی است بس بسیار مهم و تأمل‌برانگیز که در ساده‌ترین شکل، می‌توان این گونه بیانش کرد: «زیرا که من می‌دانم چه کارهایی را نباید بکنم»؛ این که چه کتاب‌هایی را نخوانم، چه چیزهایی را نخورم و...

شاید در همین جا بتوان پیوندی میان آن بخش نخست که از «سودمندی و ناسودمندی تاریخ برای زندگی» نقل شد و این بخش دوم یافت و آن را این چنین بیان کرد که برای «سرنوشت بودن» باید دانست که چه چیزهایی را باید فراموش کرد و چه چیزهایی را نباید.

***

به چه کار می‌آیند مدارس در این زمانه عسرت؟" این پرسش طنینی هایدگری دارد و در واقع تقلبی است از روی دست این فیلسوف بزرگ آنگاه که می‌پرسد «به چه کار می‌آیند شاعران در این زمانه عسرت؟"

این پرسش اما و احتمالاً یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین پرسش‌هایی است که ذهن هر فردی در هر جامعه‌ای را در مواجهه با نهادهای آموزشی و مدارسی که کودکانش سال‌ها بخش زیادی از عمر خود را در آن‌ها می‌گذرانند، به خود مشغول می‌کند و بی‌شک در آشکار و نهان، ذهن بسیاری از ایرانیان را نیز به خود مشغول داشته است. اما به راستی به چه کار می‌آیند این مدارس در زمانه‌ای که جهان بیشتر از هر زمان دیگر پیش از خود، در دسترس قرار گرفته است و فاصله‌های زمانی و مکانی کوتاه و ناهم‌زمانی و ناهم‌مکانی کمرنگ‌تر شده‌اند و هر آن چه خواهی، سهل‌تر از آن‌که در تصور آید، در مقابلت حاضر می‌شود.

به راستی این مدارس – آن‌گونه که منتقدان آن‌ها، مدام، به زمزمه یا فریاد می‌گویند – جز آنکه «هیچ چیز» را به کودکان بیاموزند، چه می‌کنند؟ جز آن‌که زمانی طولانی از عمر کودک را ببلعند و حجم وسیعی از سرمایه و امکانات را خرج کنند، چه چیزهای ارزشمندی را باز پس می‌دهند؟ این مدارس جز افرادی که اگر در میانه جهان رها شوند، تنها گیج و گول به این سو و آن سو می‌نگرند و دیگر هیچ، و جز موجودات منفرد و تک افتاده‌ای که از گذشته و تاریخ خود گسسته‌اند، چه دستاورد دیگری دارند؟

پرسش های این چنین بسیارند و پرسش‌هایی عمیق‌تر نیز هستند که کمتر پرسیده می‌شوند یا شاید صلاح بر آن است که پیش از آن‌که پرسیده شوند، فراموش شوند. با این همه اما همان گونه که هایدگر به درستی تأکید می‌کند پرسش (/سؤال پرسیدن) پارسایی اندیشه است حتی اگر به حیرت بیشتر بینجامد، اگر بینجامد.

***

این یک مدعاست بی‌آن‌که قصد آن باشد که استدلالات و دلایلی در این یادداشت برای آن ارائه شود که این کوشش خود حکایتی است بس مفصل‌تر از این مقال و آن مدعا این است که «من باید در مدرسه (بخوانید نظام آموزشی) یاد بگیرم که چه چیزهایی را باید فراموش کنم و چه چیزهایی را نباید» و «چه چیزهایی را باید بخوانم یا انجام دهم و مهم‌تر از آن چه چیزهایی را نباید»؛ تا شاید در مواجهه‌ای انتقادی با گذشته خود و در نسبتی تعاملی با آن قرار بگیرم و این چنین میراث خود، گذشته خود و تاریخ خود را دریابم که جهان من از میانه همین نسبت‌های من با دیگران در تمامی وجوه ممکن بر می‌آید و شاید مهم‌ترین این وجوه همین تاریخ پس پشت من باشد.

***

پرسش این است: «به راستی مدرسه در نسبتِ میان من و تاریخ،میراث فرهنگی من در کجا ایستاده است و چه جایگاهی دارد؟"

منبع :سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.

شرکت فولاد خوزستان
KHOUZESTAN STEELCO
سهامی‌عام
K.S.C
نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شماره ۵۲۳۰۲۹۲۶

شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد عملیات زیربنا نقشه‌های جنرال پلان رو سطحی، شبکه‌های تاسیساتی در حالت ایزومتریک واحد احیا دو مختلف شرکت خود را به مدت یک سال به شرح ذیل از طریق مناقصه به یکی از شرکت‌هایی که دارای امکانات کافی، منابع انسانی مناسب، سوابق و تجارب اجرایی مرتبط، کداقتصادی و گواهی صلاحیت معتبر می‌باشند واگذار نماید. از کلیه داوطلبان شرکت در مناقصه دعوت می‌شود با رعایت موارد ذیل در ساعات اداری جهت اقدام مقتضی به آدرس اهواز ـ کیلومتر ۱۰ جاده اهواز ـ بندرامام‌خمینی شرکت‌فولاد خوزستان ـ واحد خرید خدمات ـ قراردادهای طرحهای توسعه (تلفن ۲۱۳۶۴۶۳-۰۶۱۱ و دورنگار ۲۷۰۸۱۴۷-۰۶۱۱ یا پایگاه اطلاع رسانی WWW.KSC.ir) با ارائه معرفی نامه معتبر مراجعه فرمایند.

۱) کسب اطلاعات لازم و ارسال فاکس اعلام آمادگی به شماره فاکس ۲۷۰۸۱۴۶ - ۲۷۰۸۱۴۷-۰۶۱۱

۲) دریافت پرسشنامه الکترونیکی ارزیابی پیمانکاران از سایت شرکت فولاد خوزستان www.ksc.ir منوی خرید و تامین کنندگان ـ تامین کنندگان ـ پرسش نامه ارزیابی پیمانکاران و تکمیل و تحویل آن به همراه مستندات اعلام شده در پرسش‌نامه تا تاریخ ۹۲/۱۱/۱۵ به آدرس اهواز ـ کیلومتر ۱۰ جاده اهواز ـ بندرامام ـ شرکت فولاد خوزستان ـ مدیریت خرید خدمات و قراردادها ـ قراردادهای طرحهای توسعه ـ اتاق ۲۲۰ تلفن ۲۱۳۶۴۶۳

۳) خرید اسناد مناقصه (پس از تائید واحد ارزیابی فنی پیمانکاران) در تاریخ ۹۲/۱۲/۰۳ به‌مدت یک روز در قبال ارائه اصل رسید واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال (غیرقابل استرداد) در وجه شرکت فولاد خوزستان

۴) تحویل پاکت پیشنهادها تا تاریخ ۹۲/۱۲/۱۷

۵) تاریخ گشایش پاکت‌های پیشنهاد قیمت مورخ ۹۲/۱۲/۱۸

۶) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

۷) نوع تضمین: ۱)ضمانتنامه معتبر بانکی ۲) چک تضمینی و یا واریز مبلغ در وجه شرکت فولاد خوزستان

۸) شماره حساب‌های واریز وجه:

الف) حساب سپهر ۰۱۰۰۳۰۴۲۴۵۳۰۰۱ بانک صادرات شعبه مجتمع فولاد اهواز کد ۳۸۸۲

ب) حساب سپا ۰۱۰۲۵۱۳۱۸۶۰۰۲ بانک ملی شعبه مجتمع فولاد اهواز کد ۶۵۳۲

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

شرکت فولاد خوزستان
KHOUZESTAN STEELCO
سهامی‌عام
K.S.C
نوبت اول

آگهی فراخوان عمومی

شرکت فولاد خوزستان در نظر دارد **خرید جرثقیل‌ها و مونوریلها و بالابرهای تعمیراتی و کارگاهی از سازندگان معتبر اروپای غربی تا ظرفیت ۳۰/سی تن** خود را به شرح ذیل از طریق مناقصه و از شرکت‌های سازنده و تامین کننده معتبر که دارای امکانات کافی، سوابق و تجارب اجرایی مرتبط و کداقتصادی معتبر می‌باشند تامین نماید.

از کلیه شرکتهای واجد شرایط که دارای تجربه و دانش لازم و توان تجهیزاتی مناسب و سابقه تامین تجهیزات فوق را از منابع معتبر اروپای غربی دارا می‌باشند دعوت می‌شود که کلیه مدارک و سوابق ذیل را در ساعات اداری به آدرس اهواز ـ کیلومتر ۱۰ جاده اهواز ـ بندر امام خمینی شرکت فولاد خوزستان ـ واحد خرید قطعات و تجهیزات ـ تلفن ۲۱۳۶۲۱۴-۰۶۱۱ دورنگار ۲۷۰۸۱۶۰-۰۶۱۱ و یا Email:a.moghadam@ksc.ir ارسال نمایند.

مدارک مورد نیاز: ارسال رزومه کاری، لیست امکانات و تجهیزات کارگاهی و همچنین دریافت و تکمیل پرسشنامه‌های ارزیابی کیفی از طریق سایت www.ksc.ir برای شرکتهای فاقد سابقه فعالیت با شرکت فولادخوزستان و تکمیل پرسشنامه جدید (پرسشنامه ارزیابی تامین‌کنندگان قطعات یدکی و تجهیزات) از پایگاه اطلاع‌رسانی فوق.

کلیه مدارک و مستندات فوق حداکثر تا تاریخ ۹۲/۱۲/۱۰ بایستی به آدرس فوق ارائه گردد.

شایان ذکر است اعلام آمادگی در مناقصه هیچگونه حقی جهت شرکت‌کنندگان ایجاد نمی‌کند.

روابط عمومی شرکت فولاد خوزستان

آگهی اصلاحی

پیرو آگهی تغییرات صادره به شماره ۱۰۹/۹۲/۴۸۸۴۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۹ **شرکت پارس مسکن خزر** (سهامی‌خاص) به شماره ثبت ۱۲۹۳۰ اعلام می‌دارد در بند ۲ آگهی، مدت بازرس اصلی شرکت تا تاریخ ۹۳/۰۶/۳۱ می‌باشد که بدینوسیله اصلاح و جهت اطلاع عموم آگهی می گردد.

مسئول ثبت شرکت‌های رشت - فاطمه حسین زاده

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای **علی‌اکبر بیلاقی** دارای شناسنامه شماره ۶۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۰۰۱ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان مصطفی سیلاقی شناسنامه ۹-۳۷۵۸۲-۴۰۶ در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۹ در اقامتگاه دایمی خود بدرود زندگی گفته ورثه‌حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱ـ علی‌اکبر بیلاقی فرزند ابدالعلی شماره ش ۶۳ متولد ۱۳۰۶ پدر متوفی ۲ـ قزی میربک فرزند عبدالعلی بشماره ش ۲۱۹ متولد ۱۳۳۹ مادر متوفی ۳ـ فاطمه بیلاقی فرزند علی جعفر بشماره ش ۴۱۹۰۲۴۸۵۹۲ متولد ۱۳۷۱ همسر متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در سه نوبت پی در پی ماهی یکمرتبه آگهی می‌نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف سه ماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

رئیس شعبه اول حقوقی دادگاه عمومی شورای حل اختلاف شهرستان دوره چگنی ـ نور محمدی

آگهی تجدید مناقصه عمومی
شماره ۱۷-۱-۷۱۱۱-۹۲

شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا در نظر دارد ۲ دستگاه الکتروپمپ ۲۵۰ کیلووات ایستگاه پمپاژ اصلی آبیاری خود را ازطریق برگزاری مناقصه عمومی (تجدید شده) خریداری، نصب و راه‌اندازی نماید. متقاضیان می‌توانند با واریز مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب مهر گستر شماره ۳۰۱۶۵۵۷۰ بانک کشاورزی به نام شرکت و یا واریز وجه به‌صندوق امور مالی شرکت و ارائه رسید، جهت خرید اسنادمناقصه حداکثر تا مورخ ۹۲/۱۱/۱۷ به نشانی: اهواز ـ کیلومتر ۲۳ جاده دغاغله شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا ـ اداره امورقراردادها و فروش مدیریت بازرگانی (با شماره تماس ۵-۳۴۳۶۰۹۴-۰۶۱۱) مراجعه‌نمایند.

شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا

آگهی تغییرات شرکت کشت و صنعت گلگاران ـ سهامی خاص
ثبت شده بشماره: ۳۷۶
شماره شناسه ملی: ۱۰۲۶۰۰۸۱۶۲۰
به استناد صورتجلسه مورخ ۱۳۹۲/۹/۲۸ مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده و هیات‌مدیره

۱ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۱ شرکت به تصویب رسید.

۲ـ روزنامه اطلاعات جهت چاپ آگهی‌های شرکت تعیین شد.

۳ـ آقای حسین عربشاه فرزند اکبر ش‌ش ۵۱۴ متولد ۱۳۳۶ با کدملی ۱۲۶۱۶۳۸۵۵۷ بعنوان بازرس اصلی و محمدرضا واعظ فرزند نقی ش‌ش ۲۱۱ متولد ۱۳۵۷ با کدملی ۱۲۶۱۹۰۲۵۰۵ بعنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یکسال انتخاب شدند.

۴ـ آقای حسین عسگری فرزند محسن با کدملی ۰۶۰۰۱۱۰۷۰۲ عضو و رئیس هیات مدیره و آقای سید تقی حجازی فرزند احمد با کدملی ۱۲۶۱۶۳۲۵۸۳ و لاله حجازی فرزند حسین با کدملی ۱۲۶۰۴۳۹۹۱۷ و سارا حجازی فرزند حسین با کدملی ۱۲۶۲۱۰۵۸۹۷ به سمت اعضای اصلی هیات مدیره شرکت برای مدت دو سال انتخاب شدند و آقای علیرضا مظاهری فرزند احمد با کدملی ۵۴۹۹۸۳۰۹۰۸ به سمت مدیرعامل شرکت منصوب شد.

کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای اصلی هیات‌مدیره شرکت متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

حسینیان - رئیس اداره ثبت اسناد کاشان

آگهی مناقصه (نوبت دوم)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان در نظر دارد نسبت به خرید هشت قلم تجهیزات آزمایشگاه تحقیقاتی علوم‌پایه‌پزشکی، دانشکده پرستاری و مامایی و بهداشت به‌شرح اسناد مناقصه اقدام نماید. متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه به سایت دانشگاه به‌آدرس: www.iauk.ac.ir و یا دبیرخانه کمیسیون معاملات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مراجعه نمایند. **مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت به دانشگاه:** از تاریخ انتشار آگهی لغایت ۱۵ روز. دانشگاه در قبول پیشنهادها و انعقاد قرارداد و یا رد آنها دارای اختیارات تام می‌باشد و هزینه درج آگهی منتشره در روزنامه نیز به عهده برنده مناقصه است. **ضمنا اولویت در خرید تجهیزات با تولید کننده داخلی می‌باشد.**

اداره روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

آگهی مناقصه (نوبت اول)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان در نظر دارد نسبت به خرید تجهیزات آزمایشگاه کلیه رایی و آزمایشگاه مکانیک سنگ گروه معدن به شرح اسناد مناقصه اقدام نماید. متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه به سایت دانشگاه به آدرس: www.iauk.ac.ir و یا دبیرخانه کمیسیون معاملات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مراجعه نمایند. **مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت به دانشگاه:** از تاریخ انتشار آگهی لغایت ۱۵ روز. دانشگاه در قبول پیشنهادها و انعقاد قرارداد و یا رد آنها دارای اختیارات تام می‌باشد و هزینه درج آگهی منتشره در روزنامه نیز به عهده برنده مناقصه است. **ضمنا اولویت در خرید تجهیزات با تولید کننده داخلی می‌باشد.**

اداره روابط عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

آگهی مناقصه (نوبت دوم)

دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان در نظر دارد نسبت به خرید تجهیزات آزمایشگاه ترمودینامیک گروه مکانیک به شرح اسناد مناقصه اقدام نماید. متقاضیان شرکت در مناقصه میتوانند حداکثر ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی جهت دریافت اسناد و مدارک مناقصه به سایت دانشگاه به آدرس: www.iauk.ac.ir و یا دبیرخانه کمیسیون معاملات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان مراجعه نمایند. **مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت به دانشگاه:** از تاریخ انتشار آگهی لغایت ۱۵ روز. دانشگاه در قبول پیشنهادها و انعقاد قرارداد و یا رد آنها دارای اختیارات تام می‌باشد و هزینه درج آگهی منتشره در روزنامه نیز به عهده برنده مناقصه است. **ضمنا اولویت در خرید تجهیزات با تولید کننده داخلی می‌باشد.**

**اداره روابط عمومی دانشگاه آزاد